

صحت این مطلب علی رغم آنکه نسخه‌ی مورد بحث با نسخه‌ای کتابت شده به قلم یکی از بهترین شاگردان صفی‌الدین یعنی؛ شمس‌الدین احمد بن یحیی سهروردی (در گذشته ۷۴۱ هـ. ق / ۱۳۴۰ م) مقابله گردیده، با توجه به شرح حال صفی‌الدین مورد تردید است. فصول پانزده گانه کتاب الادوار به گونه‌ای ترتیب یافته است که مباحث و مسائل موسیقی را به شرح زیر شامل می‌شود:

فصل اول: از آنجا که موضوع موسیقی نغمه است، مؤلف ابتدا تعریفی از نغمه ارائه می‌دهد و از آن سبب که ابعاد و ادوار از اختلاف نغمه در حدت (زیری) و ثقل (بمی) حاصل می‌شود، توضیح مختصری درباره‌ی علت‌های زیری و بمی در سازهای موسیقی ذوات الاوتار (سازهای زهی) و ذوات النفع (سازهای بادی) آمده است.

فصل دوم: در این فصل درباره تقسیم وتر (زه یا ابریشم ساز) و شیوه‌ی به دست آوردن نغمات هفده گانه از اجزای آن، سخن رفته است.

فصل سوم؛ موضوع این فصل بعد (فاصله) است. چرا که اولاً تعریف نغمات مستلزم بعد است. ثانیاً ملایمت (خوشایندی) و تنافر (ناخوشایندی) ابتدا در ابعاد ظاهر می‌شود.

در فصل چهارم: علل چهارگانه‌ی تنافر در دانگ‌ها و یا ذی الاربع‌ها بیان می‌شود تا از این علت‌ها در تألیف الحان (آهنگسازی) دوری شود.

در فصل پنجم با توجه به علت‌های چهارگانه‌ی تنافر چگونگی تشکیل ذی الاربع‌های هفت گانه بیان می‌شود. همچنین براساس علل دو گانه‌ی تنافر در ذی‌الخمسه‌ها (فواصل پنجم)، ذی‌الخمسه‌های دوازده گانه معرفی می‌شوند تا در فصل ششم با ادوار هشتاد و چهارگانه که از اضافه شدن ذی الاربع‌ها و ذی‌الخمسه‌ها ($12 \times 7 = 84$) حاصل می‌شوند آشنا شویم.

چنان که در مقدمه می‌آید؛ مؤلف اساس مبانی نظری خود را بر یک وتر نهاده است، تا برای مبتدی درک و تحلیل مطالب آسان تر باشد. به همین جهت صفی‌الدین در فصل‌های هفتم و هشتم به تکمیل مباحث خود در این باب پرداخته و شرایط تسویه (کوک) و استخراج ادوار را از سازهایی با دو و پنج وتر

(مانند سازعود) توضیح می‌دهد.

در فصل نهم مؤلف به بیان دوازده دور مشهور یعنی؛ عشاق، نوا، بوسلیک، راست، حسینی، حجازی، زنگوله، راهوی، اصفهان، زیرافکند، بزرگ و عراق می‌پردازد و ضمن معرفی آوازهای شش گانه توضیح مختصری درباره آنها ارائه می‌دهد.

در فصل دهم مؤلف در باب نغمات مشترک بین ادوار دوازده گانه شرحی نوشته است.

در فصل یازدهم درباره‌ی طبقات ادوار مشهور سخن رفته است. طبقه در اصطلاح قدما به واقع شدن دوری در غیر موضع خود اطلاق می‌شده است. بر این اساس هر دور مشهور می‌تواند به تعداد نغمات در هفده موضع قرار گیرد.

در فصل دوازدهم مؤلف با توجه به توضیح فصل هشتم به شرح اصطخاب غیر معهود (کوک غیر معمول) پرداخته است.

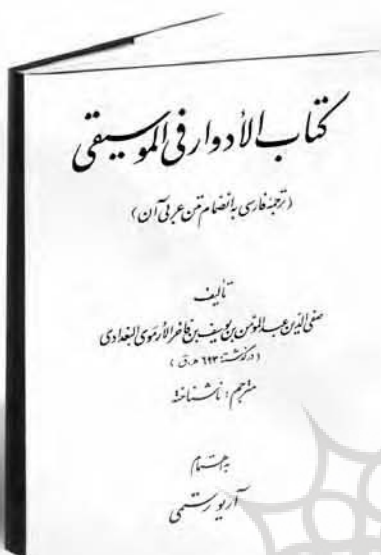
فصل سیزدهم؛ درباره‌ی ایقاع و انواع ادوار ایقاعی است. این فصل از آن جهت که صفی‌الدین وزن و ارکان آن را در موسیقی معرفی و تحلیل کرده است، یکی از فصل‌های مهم کتاب الادوار می‌باشد.

مؤلف در فصل چهاردهم درباره‌ی تأثیر هر یک از ادوار مشهور بر گروهی یا همه‌ی ایشان بحث می‌کند.

و بالاخره در فصل پانزدهم در باب هدف نمایی فن موسیقی یعنی تألیف الحان (آهنگسازی) و مباشرت عمل (نوازندگی) شرح مختصری آمده است. از نکات جالب توجه در این فصل شیوه‌ی نوین نغمه نویسی الحان به ابتکار صفی‌الدین است.

قدیمی‌ترین نسخه‌ی شناخته شده‌ی کتاب الادوار در کتابخانه‌ی نور عثمانیه استانبول (ترکیه) با تاریخ کتابت ۶۳۳ هـ. ق (۱۲۳۵ م) و به شماره ۳۶۵۳/۴ می‌باشد و در میان شرح‌های فارسی کتاب الادوار اگرچه شرح محمد اسمعیل بن محمد جعفر اصفهانی با تاریخ نگارش ۱۲۹۶ هـ. ق (۱۸۷۸ م)، به علت دسترسی وی به همه شروح ادوار، می‌تواند کامل‌ترین شرح ادوار باشد. شرح عبدالقادر بن غیبی حافظ مراغی (درگذشته ۸۳۸ هـ. ق / ۱۴۳۴ م) به دلیل تجزیه و تحلیل قدم به قدم و بخش به بخش آن کتاب بهترین شرح‌ها است.

نظری به کتاب الادوار



الأدوار فی الموسیقی (ترجمه فارسی)

صفی‌الدین عبدالمؤمن بن یوسف بن فاخر الأرموی البغدادی

مترجم: ناشناخته

به اهتمام: آریورستمی

نشر: میراث مکتوب

منظور شناخت اصل نظریه‌های صفی‌الدین و کاهش خطاهای احتمالی مانند انتساب برخی از نظریه‌های دیگر شارحان و مؤلفان به صفی‌الدین به دلیل نگارش آثار وی به زبان عربی مورد توجه قرار گرفت. همچنین به متن مصحح فارسی، متن تصحیح شده عربی که به اهتمام دکتر محمد احمد الحنفی و غطاس عبدالملک به زیور طبع آراسته گردیده، ضمیمه شده است تا امکان مقابله و مقایسه برای عموم پژوهندگان فراهم آید.

کتاب الادوار فی الموسیقی – که در مقایسه با رساله شرفیه در آن بیشتر به مباحث عملی پرداخته شده است – مشتمل بر یک مقدمه و پانزده فصل می‌باشد.

همان‌طور که صفی‌الدین در مقدمه کتاب خود آورده است، نگارش این کتاب را به فرموده کسی انجام داده که امتثال اوامرش بروی واجب بوده است. از مقدمه‌ی یکی از نسخه‌های این کتاب (کتابخانه آکسفورد به شماره ۵۲) چنین بر می‌آید که احتمالاً این شخص خواجه نصیرالدین محمد طوسی (۶۷۲-۵۹۷ ه. ق / ۱۲۷۳-۱۲۰۰ م) باشد.

نام صفی‌الدین عبدالمؤمن بن یوسف بن فاخر الأرموی البغدادی (درگذشته ۶۹۳ ه. ق / ۱۲۹۴ م.) برای اکثر پژوهشگران علم، ادب و موسیقی نامی آشناست.

وی که با طرح و شرح نظریات بدیع در باب موسیقی بنیان‌گذار مکتب منتظمیه (systematist school) شناخته می‌شود، نظم‌نویس خود را در میانی نظری موسیقی سرزمین‌های اسلامی، بر پایه آراء دانشمندان قبل از خود مانند کندی (درگذشته ۲۶۰ ه. ق / ۹۰۸ م.)، فارابی (درگذشته ۳۳۹ ه. ق / ۹۵۰ م.) ابن سینا (درگذشته ۴۲۸ ه. ق / ۱۰۳۷ م.) و ابن زبیل (درگذشته ۴۴۰ ه. ق / ۱۰۴۸ م.) بنا نهاده است. وی یافته‌ها و تجربیات خویش را در دو کتاب بی‌بدیل، الادوار فی الموسیقی و الرسالة الشرفیه فی علم النسب و الأوزان الايقاعیه به شیوه‌ی مرسوم روزگار خود به زبان عربی نگاشته و ارائه داده است.

کتاب حاضر در بردارنده‌ی ترجمه‌ای کهن به فارسی از الادوار فی الموسیقی از مترجمی گمنام می‌باشد، که به